

# اوضاع اوکراین خراب‌تر از تصویرتان است



حقیقت هیچ‌یک از آنها از هرگونه تجربه یا آموزش نظامی برخوردار نیستند و از نظر کارکنان وزارت دفاع و برخی از نیروهای ویژه خارجی حاضر در میدان جنگ، اغلب این داوطلبان صرفاً نان‌خورهایی اضافی پنداشته می‌شوند. از نظر اقتصادی اوکراین صرفاً دارد به بقایش ادامه می‌دهد، ولی نه چیزی فراتر از آن. انتظار می‌رود که تحریم‌های اعمال شده بر روسیه موجب انقباضی کمتر از ۷ درصدی در تولید ناخالص داخلی اش شوند و به نظر نمی‌رسد که در مقایسه با افت ۴۰ تا ۴۵ درصدی تولید ناخالص داخلی اوکراین، شرایط را به نفع این کشور چندان تغییر دهند. حداقل ۲۵ درصد از کسب و کارها تعطیل شده‌اند، هر چند که تعداد مشاغل کاملاً تعطیل شده از ۳۲ درصد در ماه مارس به ۱۷ درصد در ماه مه کاهش پیدا کرده است. با این حال، محاصره بنادر اوکراین نظیر ماریوپل، اودسا، خرسون و غیره توسط نیروی دریایی روسیه هم مانع از واردات سوخت برای بخش زراعت و همچنین صادرات غلات و سایر محصولات اوکراین شده است. ناتوانی از صادرات روزانه ۱۷۰ میلیون دلار هزینه روی دست اقتصاد اوکراین می‌گذارد. در عین حال، روسیه دارد مخازن سوخت، سیلوهای غلات و انبارهای تجهیزات زراعی اوکراین را هدف حملاتش قرار می‌دهد و تا همین الان صدماتی را به زنجیره‌های تأمین از هم‌گسسته‌اش وارد آورده است. بخش تأمین انرژی نیز با بحران روبه‌رو است، زیرا که عده قلیلی از شهروندان و شرکت‌های اوکراینی قادر به پرداخت قبوض برق‌شان هستند.

ماه مه نه تنها یک ماه مهم برای کشاورزی است، بلکه همان زمانی نیز هست که نفت و گاز (یعنی شرکت ملی نفت و گاز اوکراین) معمولاً شروع به خرید گاز طبیعی جهت ذخیره‌سازی برای زمستان‌های سرد اوکراین می‌کند. این غول انرژی دولتی پیش از تهاجم روسیه نیز در شرایط بدی قرار داشت و مدیرعاملش در سپتامبر ۲۰۲۱، یک کمک مالی ۴/۶ میلیارد دلاری را از دولت اوکراین درخواست کرده بود. حالا با توجه به شرایط بسیار سخت بازارهای گاز و نبود بودجه، اوکراین فقط می‌تواند با استفاده از انرژی هسته‌ای خودش را برای زمستانی آماده کند که دمای هوا بیش ممکن است تا زیر ۲۰ درجه فارنهایت برسد. معضل دیگری که می‌تواند به چشم‌اندازی تراژیک برای زمستان ۲۰۲۳-۲۰۲۲ تبدیل شود آن است که اغلب معادن زغال سنگ اوکراین در دونباس قرار دارند که حملات روسیه به آن همچنان ادامه دارد.

بر اساس گزارش‌ها، کاخ سفید قصد دارد تا دولت اوکراین را از بازپرداخت بدهی‌اش معاف کند و این امر بی‌شک می‌تواند به آنها کمک کند. از جمله اقدامات دیگر در همین راستا، قصد کمیسیون اروپا مبنی بر انتشار ۱۵ میلیارد یورو اوراق قرضه برای پوشش دادن هزینه‌های چند ماه آینده اوکراین است. اما این اقدامات برای جلب رضایت بیش از شش میلیون نفر گریخته از اوکراین که عمدتاً شامل زنان و کودکان می‌شوند، کفایت نخواهد کرد. اگر مردان اجازه خروج از اوکراین را پیدا کنند، قریب به یقین است که این رقم دو برابر خواهد شد.

گزارش‌های اخیر مبنی بر بازگشت روزانه ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر از اوکراینی‌ها به کشورشان نویدبخش هستند، ولی اوکراین پیش از این حمله نیز به معضل فرار نخبگان روبه‌رو بود و بسیاری از شهروندان این فقیرترین کشور اروپایی از قبل تلاش داشتند تا آنجا را ترک کنند. تا پیش از وقوع این حمله، اوکراینی‌ها بعد از مراکشی‌ها و ترک‌ها، سومین جمعیت بزرگ مهاجران در اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دادند. برآورد کنونی آژانس بین‌المللی کار حاکی از آن است که ۴/۸ میلیون شغل در اوکراین از دست رفته و در صورت تداوم این جنگ به رقم ۷ میلیون خواهد رسید. پس از ادامه این جنگ برای مدت‌های متمادی، کودکان اوکراینی در مدارس خارجی جدید جا خواهند افتاد، مادران‌شان با جهان جدید خو خواهند گرفت و هر دو انتظار پیوستن پدران و شوهران‌شان را به خود دارند، البته برخی به اوکراین باز خواهند گشت اما بسیاری آسایش خانواده و فرصت‌های فرزندان در کشور جدید را بر ندهای وطن‌پرستانه ترجیح خواهند داد.

نگران‌کننده‌ترین مسأله آن است که بسیاری از اوکراینی‌های کماکان باقیمانده در کشور خودشان شروع به طرح این پرسش کرده‌اند که اوکراین چگونه به بازسازی خودش خواهد پرداخت. این جنگ موجب گسست بافت جامعه شده است. به گفته مادری در پولاتاوا، او دیگر به همسایگانی که ۴۰ سال در کنارشان زندگی کرده و پیش از این حمله، تصور می‌کرد که اعضای خانواده‌اش بودند اعتمادی ندارد. روس تبارهای بومی اوکراینی که حداقل یک سوم جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند از صحبت با زبان مادری احساس نگرانی یا حتی ترس دارند. به رغم برانگیختگی احساسات ناسیونالیستی، اعتماد در هم شکسته است.

دولت ایالات متحده در ماه مه تصمیم گرفت تا در قالب اقدامی نمادین گروهی از دیپلمات‌هایش را دوباره به کی‌یف بازگرداند تا بدین‌وسیله بتواند فرار سریع و نومیدانه‌اش را در زمانی که تصور می‌رفت کی‌یف ظرف چند روز سقوط خواهد کرد تا حدی لاپوشانی کند. بایدن نیز سرانجام پس از یک وقفه سه‌ساله، سفیری را برای اوکراین تعیین کرد ولی به رغم تمایل مبنی بر جان سالم به در بردن اوکراین مظلوم و ضعیف از این مهلکه، به مانند داستان پیروزی داوود بر جالوت و خشونتی از خودمان از بابت اعطای تیر و کمان به اوکراینی‌ها، این کشور به نحوی وخیم و خطرناک توان و قوتش را از دست داده است. اوکراین نیازمند چیزی فراتر از نمادها و تسلیحات است و نیاختن به معنای بردن نیست.

را در مقایسه با پیش از بیست و چهارم فوریه تحت کنترل خودش دارد. ارتش پوتین، خرسون، هر آنچه از ماریوپل باقی مانده است، تمامی نواحی میانی و حالا نه صرفاً لوهانسک و دونتسک، بلکه کل منطقه دونباس را نیز در اختیار دارند. به عنوان مثال، مقامات اوکراینی تا پیش از تهاجم اخیر روسیه حدود ۶۰ درصد از لوهانسک را تحت کنترل خودشان داشتند، اما هم‌اکنون نیروهای روس بیش از ۸۰ درصد این ناحیه را کنترل می‌کنند. آنها همچنین حدود ۷۰ درصد از منطقه زاپوریژیا را نیز در اختیار دارند. این سخن بدان معناست که سهم قلمروی تصرف‌شده توسط روس‌ها که شامل کریمه هم می‌شود در مجموع از ۷ درصد تا پیش از ماه فوریه اکنون به بیش از دو برابر آن افزایش یافته و از این منظر نیاختن جنگ تا حد زیادی بیشتر شبیه به باختن به نظر می‌رسد تا بردن.

وزارت دفاع اوکراین برای حفظ روحیه نیروهایش آمار تلفات جنگ را منتشر نمی‌کند، اما کارشناسان بر این باورند که از زمان حمله بیست و چهارم فوریه، اوکراین حداقل ۲۵ هزار نفر از نیروهایش را از دست داده است (حداکثر تا ۱۱ هزار کشته و ۱۸ هزار زخمی). تلفات اوکراین در طول دو ماه و نیم جنگ حداقل شامل سهمی ۱۰ درصدی از کل نیروهای ارتشی کمتر از ۲۵۰ هزار نفره‌ای می‌شوند که حالا بدون شک خسته و از پا افتاده هستند. البته این رقم بسیار کمتر از میزان تلفات روس‌هاست که باور می‌رود بیشتر از ۳۵ هزار نفر به علاوه تعداد قابل ملاحظه‌ای از جنگ‌افزارها و تجهیزاتی نظیر تانک‌ها و کشتی‌های جنگی باشد.

هر چند که سیلابی از تسلیحات و سایر کمک‌ها و تجهیزات نظامی به اوکراین سرازیر شده، اما هم مقامات وزارت دفاع و هم مبارزان داوطلب در خفا اذعان می‌کنند که فاقد ظرفیت کافی برای جذب این همه کمک هستند. استفاده از بخش عمده‌ای از این تجهیزات و تسلیحات مستلزم آموزش‌هایی نوین است که حتی در صورت قابل دسترس بودن نیز زمانبر است. به همین ترتیب، ورود خیل عظیم ۱۶ هزار نفره یا بیشتر از مبارزان داوطلب خارجی به اوکراین نیز می‌تواند امتیازی تعیین‌کننده برای این کشور به نظر برسد، اما در

## تلفات اوکراین در طول دو ماه و نیم جنگ حداقل شامل سهمی ۱۰ درصدی از کل نیروهای ارتشی کمتر از ۲۵۰ هزار نفره‌ای می‌شوند که حالا بدون شک خسته و از پا افتاده هستند. البته این رقم بسیار کمتر از میزان تلفات روس‌هاست که باور می‌رود بیشتر از ۳۵ هزار نفر به علاوه تعداد قابل ملاحظه‌ای از جنگ‌افزارها و تجهیزاتی نظیر تانک‌ها و کشتی‌های جنگی باشد

**Suriya Jayanti**  
دپلمات امریکایی در کی‌یف و مشاور وزارت بازرگانی ایالات متحده



# TIME

گفته شده که با توجه به باور فوق‌العاده زیاد نیروهای اوکراینی به بالادستی روس‌ها در ابتدای حمله روسیه به این کشور، نیاختن این جنگ خودش به معنای نوعی پیروزی برای اوکراین است. تفاوت موجود در میان انتظارات و مقاومت شگفت‌انگیز ارتش اوکراین به این سوء تعبیر کمک می‌کند که اوضاع کنونی به نفع اوکراین است؛ اما نبرد همچنان به معنای نبرد است. اوکراین در شرایطی به مراتب وخیم‌تر از باور عمومی به سر می‌برد و نیازمند مقادیر متناهی از کمک‌ها و پشتیبانی‌ها برای دستیابی به پیروزی واقعی در این جنگ است و همچنان خواهد بود.

ما علاقه مند پیروزی رقیب ضعیف هستیم. عاشق آن هستیم که یک آدم کوچک‌جثه پر دل و جرأت برخلاف انتظارات، پیروز میدان نبردی نابرابر شود. این تصور به خویشتن‌های معمولی‌مان امید می‌بخشد و به ما امکان می‌دهد تا حس کنیم که از نظر اخلاقی در جایگاهی برتر قرار داریم و به همین دلیل است که رئیس‌جمهور اوکراین یعنی زلنسکی نیز توانسته توجهات جهانی را به خودش جلب کند. مبارزه‌طلبی‌اش در مواجهه با نیرویی برتر موجب جلب حمایت ما از او در برابر قدری‌های طرف مقابل شده است. ما با ستایش و تشویق اوکراینی‌های خرد و خمیر شده، می‌توانیم از بابت تنها گذاشتن کسانی که قول حفاظت و «تضامین امنیتی» به آنها داده بودیم و رها کردن‌شان در حال دست و پا زدن در برف و گل، قدری از شرم و خجالت‌مان را تسکین دهیم. شوربختانه، رهبری زلنسکی و سرازیر شدن کمک‌های نظامی و بشری بین‌المللی نتوانسته‌اند مانع از سطحی شوکه‌کننده از ویرانی برای شهرهای اوکراین و اقتصاد و جامعه این کشور شوند. این موضوعات که کی‌یف هنوز سقوط نکرده است و نیروهای روس به سمت شرق عقب‌نشینی کرده‌اند این واقعیت را پنهان می‌کنند که اوضاع اوکراین خراب‌تر از آن چیزی است که در رسانه‌ها به تصویر کشیده می‌شود.

لازم به یادآوری است که اوکراین از سال ۲۰۱۴ مورد تهاجم روسیه قرار داشته است. از سال ۲۰۱۴ تا ماه فوریه سال ۲۰۲۲، حدود ۱۰ هزار نفر در نبرد فرسایشی دونباس کشته شده‌اند، اما پیشرفت نظامی اندک و ناچیزی اتفاق افتاده است. حالا، اوکراین دارد با همان ارتش در میدانی وسیع‌تر در برابر رقیب بزرگتری می‌جنگد. تردیدی در کار نیست که اوکراین از بیست و چهارم فوریه موفق شده تا با تکیه بر دل‌آوری و شجاعت محض نیروهایش نه تنها به حفظ خودش بپردازد، بلکه روس‌ها را به عقب‌نشینی از کی‌یف، خارکوف، چرنیهیف و نواحی پیرامونی‌اش وادارد.

با وجود این، روسیه هم‌اکنون بخش به مراتب وسیع‌تری از قلمروی اوکراین